



اعلامیه حزب حکمتیست

اطلاعیه کمیته کردستان حزب

حکمتیست

”معامله قرن“ پروژه الحاق سرزمینهای

در رابطه با مضحکه

فلسطین و تثبیت حاکمیت آپارتاید نژادی

انتخابات مجلس اسلامی در

کردستان

صفحه ۳

میزگرد اکتبر در خصوص مضحکه

رأی مردم سرنگونی جمهوری اسلامی

انتخابات مجلس اسلامی در کردستان

است!

با شرکت ملکه عزتی و همایون گدازگر

صفحه ۵

انتخاب مردم، سرنگونی جمهوری اسلامی

یکبار دیگر جمهوری اسلامی در تدارک نمایش انتخاباتی برای مجلس یازدهم است . این بار هم گرچه مثل همیشه، این مضحکه ایزاری برای عوامفریبی و کسب مشروعیت حاکمیت ننگین رژیم است، اما شرایط اوضاع اجتماعی و سیاسی کنونی جامعه ، جمهوری اسلامی را برای اجرای این خیمه شب بازی در شرایط دشوارتری قرار داده است .

است!

انتخاب دهها میلیون انسان به فقر رانده شده و سرکوب شده در سالهای اخیر و در دل اعتراضات همگانی روشن و آشکار سرنگونی جمهوری اسلامی بوده و هست . سرنگونی جمهوری اسلامی بخصوص از دیماه سال ۹۶ ببعد خواست و انتخاب توده های وسیع مردم ایران در صدها شهر بود. بهمین دلیل استفاده سیاسی از مضحکه انتخابات در شرایط حاضر برای جمهوری اسلامی به مراتب دشوارتر شده است. آنچه امروز برای اکثریت جامعه ایران در مقابل جمهوری اسلامی مطرح است سرنگون کردن آن است نه انتخابات و مشروعیت بخشیدن به آن. با اینحال جمهوری اسلامی تلاش خواهدکرد

عبدلله دارابی

صفحه ۹

در رابطه با انتخابات، اکتبر می پرسد

سعید یکانه

صفحه ۱۱

چرا نباید در مضحکه انتخابات شرکت کرد!

ابوبکر شریف زاده

صفحه ۱۲

حکومت اسلامی ۴۰ سال بعد از انقلاب ۵۷

باز نگنیز مصاحبه اکتبر با اسماعیل ویسی

صفحه ۱۴

صفحه ۲

اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست

در رابطه با مضحکه انتخابات مجلس اسلامی در کردستان

می خواهد ۰ از هم اکنون با افشای مزدوران محلی رژیم در کردستان و تبدیل روز نمایش انتخابات به اعتراض ، مشت محکم دیگری بر پوزه رژیم هار اسلامی بکوبند.

رأی مردم سرنگونی جمهوری اسلامی است!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!!

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۲۱ دی ۱۳۹۸

با کمک دستگاه های تبلیغاتی و وابستگان خود این مناسک را از سر بگذرانند ، بخصوص طی ۴۰ سال گذشته همواره در این مناسبتها جیره خوارهای رنگارنگ خود را تحت نام نخبگان و شاعران و اصلاح طلبان به کمک طلبیده است ۰ باید این مضحکه را به میدان رسوا کردن این جماعت و گسترش مبارزات جاری مردم علیه رژیم تبدیل کرد ۰ در کردستان وابستگان جمهوری اسلامی طی ۴۰ سال گذشته، روش و فریب کاریهای شناخته شده ای را به کار می برند که باید با تمام قوا برای خنثی کردن آنها کوشید ۰ مزدوران و کاندیداهای جمهوری اسلامی با حضور در تجمع های مردم و دادن وعده و وعید پوچ و دروغین و بهم بافتن دسته بندی های قومی و طایفه ای و تکیه بر افکار عقب مانده تلاش می کنند مردم را به بردن پای صندوقهای رای تشویق کنند.

مردم آزادیخواه کردستان!

همه شما واقف هستید که حتی در سالهای قدر قدرتی جمهوری اسلامی، ترفندهای رژیم برای کشاندن مردم به مضحکه انتخابات با ناکامی روبرو شده است. همچنین شما شاهد هستید که امسال

”انتخابات ” دوم اسفند برای مجلس یازدهم رژیم در حالی برگزار میشود که جامعه در تب مبارزه و اعتراض برای سرنگونی جمهوری اسلامی می سوزد. این بار تنها تحریم کردن و در خانه نشستن کافی نیست. باید همگام با مردم در سرتاسر ایران مضحکه انتخابات را به فرصتی برای تعرض و گسترش مبارزاتمان تبدیل کنیم.

شما همیشه با افشای چهره مزدوران در این مناسبتها آنها را رسوا کرده اید ۰ در بطن مبارزات گرم کنونی جامعه و در حالیکه جمهوری اسلامی تحت فشار مبارزات برحق توده ای قرار دارد، کاندید های مجلس رژیم سرکوبگر اسلامی باید با تعرض قاطعانه شما روبرو شوند ۰ اینها مزدورانی هستند که در واپسین دوران حیات جمهوری اسلامی هنوز چنین بی محابا در مقابل اراده و خواست مردم معترض ایستاده اند. باید آنها را گوشمالی داد و از کرده خود پشیمان کرد. هرگونه مشارکت در مضحکه انتخابات کمک به سرپا ماندن رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی است و باید از طرف مردم آزادیخواه رسوا شود.

کمیته کردستان حزب حکمتیست از مردم آزادیخواه کردستان

کاندیده‌گان شاربده‌در کن!

شاربه‌دهریان کن، هه‌موویان!

کریکاران! خه‌لکی نازا ده‌عواری کوردستان!

لاوانی شورشگیر!

- بینه مه‌یدان! به‌رانبه‌ر به‌گالته‌جاری به‌ناو هه‌لێزاردن قاتلانی نازیرانمان بینه مه‌یدان!
- رینگه مه‌دن له‌سه‌ر خوێنی نازیرانمان نه‌و گالته‌چاره به‌ریا بکړئ!
- کاندیده‌گان ناگادار کن! نه‌کشینه‌وه سزا ده‌درئین! بیگومان شاربده‌در ده‌درئین!
- با به‌کرێگیاوان بزائن: نه‌گهر له‌گالته‌جاری نه‌و قاتلانا به‌شداری کن سزا ده‌درئین!

لاوانی نازا و شورشگیر!

- کاندیده‌گان شاربده‌در کن! شاربده‌ریان کن، هه‌موویان!
- به‌کرێگیاوانی کاندیدی نه‌م گالته‌چاره به‌زه‌ری خه‌باتی لاوان ده‌بێ سه‌رجه‌م ریسوا بکړین، له‌شاره‌گانی کوردستان وه‌ده‌ر بنرین .
- هه‌ر چه‌شته به‌شداری کردنیک له‌شانگه‌ری رژیمي سه‌رکوتگه‌ری ئیسلامیدا، پشتیوانی له‌و رژیمه‌ جینایه‌تکاره‌یه و ده‌بێ به‌توندی ریسوا بکړئ!
- هه‌لێزاردی ده‌یان ملوێن خه‌لکی ئێران ږووخانی رژیمي ئیسلامیه! نه‌مه‌ جوکمی ناخیزی مانگی تابانه، له‌تاران و شیراز و ئیسفهان و مه‌ریوان و سنه و سهدان

شاری تری ئێران

- ږووخنی رژیمي کۆنه‌به‌رسته‌ستی کۆماری ئیسلامی

- کاندیده‌گان شاربده‌در کن! شاربده‌ریان کن، هه‌موویان!

کۆمیتای کوردستانی جنه‌بی حکمه‌ت



اعلامیه حزب حکمتیست

"معامله قرن" پروژه الحاق سرزمینهای فلسطین و تثبیت

حاکمیت آپارتاید نژادی

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست، طرح فاشیستی "معامله قرن" را سیاست برسمیت شناسی و تحمیل و تثبیت یک دولت آپارتاید با عنوان "دولت یهود" به مردم فلسطین، یک طرح اولترا راست علیه روند انقلابی کنونی در خاورمیانه و تمایلات پیشرو مردم منطقه میداند و آنرا بشدت محکوم میکند. اگر پیشرفت و تحقق پروژه صلح در دوره های قبل از جمله قرارداد اسلو و تشکیل دو دولت مستقل و متساوی الحقوق و حل مسائل اساسی مانند بازگشت آوارگان و پناهندگان و توقف شهرک سازیها در گرو منزوی کردن و تسویه حساب با راست افراطی و مذهبی در هر دو سوی این کشمکش بود، "طرح معامله قرن" مهر تائیدی بر سیاستهای میلیتاریستی، نژادپرستانه و تقویت نیروها و جریانات راست و مذهبی است که بحران در خاورمیانه را تشدید و به نیروهای جنبش اسلامی که زیر ضرب مبارزه انقلابی در حال عقب نشینی اند، هرچند موقت، جان تازه ای میدهد.

این نه "طرحی برای صلح و ایجاد دو دولت"، بلکه طرح اردوگاهی کردن ابدی زندگی مردم فلسطین، سلب اختیار حقوقی و قانونی چهارچوبهای یک دولت به هر معنای رایج آن، خلع سلاح و تسلیم بی چون و چرای فلسطینیان به دولت اسرائیل با وعده اقتصادی سرمایه گذاری ۵۰ میلیارد دلاری است. حتی اگر این ادعای موهوم اقتصادی صفحه ۴

فلسطین بعد از یکدوره بمباران و موشک باران ارتش اسرائیل و کشتار جوانان و کودکان فلسطینی در همین هفته های اخیر رونمایی میشود.

"طرح معامله قرن" راه حل مسئله فلسطین نیست، طرحی برای "صلح" نیست، طرحی برای ایجاد "دو دولت" نیست، بلکه سناریو و پروژه دو دولت آمریکا و اسرائیل و حمایت مستقیم و غیر مستقیم دولتهای عربی برای تقسیم مجدد مناطق نفوذ در منطقه و الحاق هرچه بیشتر سرزمینهای فلسطین و تحمیل هرچه بیشتر ستمگری و استبداد عربان و استثمار خشن بر میلیونها فلسطینی است. هدف کلیدی این طرح فاشیستی اینست که رسماً و قانوناً موقعیت درجه دوم شهروندان فلسطین در قیاس با شهروندان اسرائیل و اردن و کشورهای مجاور را تثبیت کند. این طرح نژادپرستانه که بدون شرکت مردم فلسطین و نمایندگان آنها اعلام شد، ادامه سیاست یکجانبه حمایت دولت آمریکا از سیاستهای دولت اسرائیل است که با مخالفت مشروع مردم فلسطین روبرو شده است. دولت آمریکا بار دیگر با وقاحت نشان داد نه "میانجی" صلح برای حل مسئله فلسطین بلکه موئتلف و حامی دولت اسرائیل و سیاستهای جنایتکارانه آنست. این طرح برخلاف عنوان آن حتی "معامله" هم نیست، طرف مقابل نه در تنظیم آن شرکت داشته و دارد و نه در اجرایش شرکت خواهد داشت.

روز سه شنبه ۲۸ ژانویه، بدنبال سه سال کار جرد کوشنر مشاور ارشد ترامپ همراه با تیم مشترک دولتهای آمریکا و اسرائیل در باره طرح موسوم به صلح، دونالد ترامپ در همدستی و همراه با بنیامین نتانیاهو با حضور سفیران امارات و بحرین و عمان، در یک نمایش شیخ که بیشتر به تبلیغات تجاری سبک شباهت داشت، از "طرح معامله قرن" رونمایی کرد. کلیات اعلام شده "معامله قرن" نه طرحی برای حل مسئله فلسطین و رسیدن به یک صلح عادلانه بلکه خط زدن صورت مسئله فلسطین، پروژه‌ای برای الحاق کامل سرزمینهای فلسطینی، چهارچوبی برای به محاق بردن مسئله فلسطین بطور کلی و مردود اعلام کردن قرارداد اسلو و طرح دو دولت مستقل بود. اعلام این طرح خلق الساعه نبود، مقدمات آن طی دو سال گذشته با تقدیم بلندبهای جولان به اسرائیل و برسمیت شناسی اورشلیم بعنوان پایتخت اسرائیل توسط ترامپ فراهم شده بود. "طرح معامله قرن" در متن بهم خوردن چهارچوب کشمکش قدیمی اعراب و اسرائیل، تغییر بلوک بندیهای منطقه ای و آغاز سطحی از روابط عربستان و امارات و بحرین و عمان با اسرائیل و بدرجه ای حمایت غیر مستقیم اردن و مراکش، در چهارچوب سیاست بازسازی خاورمیانه ممکن شده است. این طرح فاشیستی تلاشی برای تحمیل یک عقب نشینی استراتژیک به مردم سرکوب شده

اعلامیه حزب حکمتیست

"معامله قرن" پروژه الحاق سرزمینهای فلسطین و تثبیت

حاکمیت آپارتاید نژادی

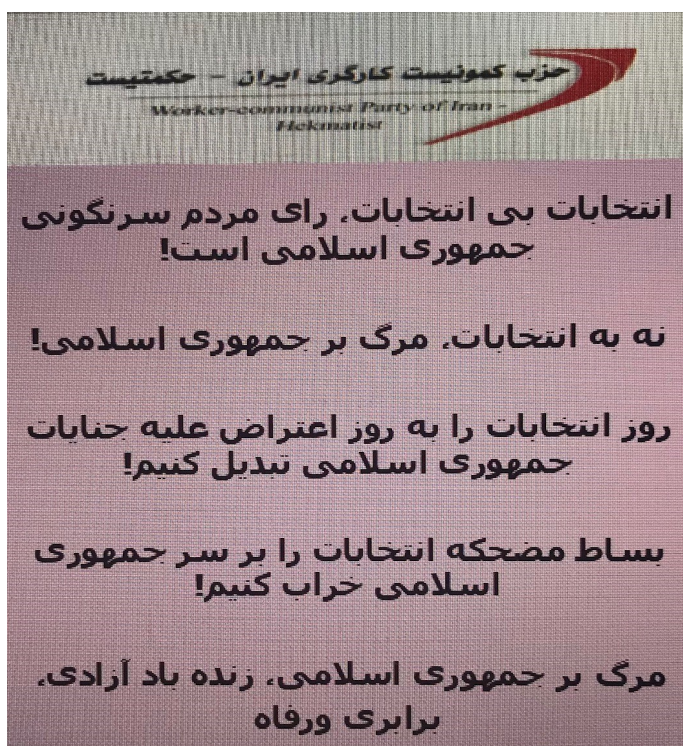
عملی شود، نتیجه آن در این شرایط چیزی جز تبدیل توده میلیونی فقرزده و بیکار کرانه غربی و غزه به بردگان مزدی با دستمزد نازل در شرایط استبداد و سرکوب و بیحقوقی نخواهد بود. این طرح فاشیستی بروشنی حقوق توده مردم فلسطین را نفی، مشقات آنها را ابدی و با خمیره نژادپرستانه آن بر تحقیر مردم عرب زبان و فلسطینیان، که رکن اصلی کل ایدئولوژی رسمی در اسرائیل است، مهر تأیید میزند.

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست خاتمه دادن به مشقات فوری مردم فلسطین و مسئله ای که هفتاد سال همراه با رنج و خون و آوارگی و جنایت مداوم داشته است را پایان دادن به حمایت یکجانبه آمریکا از دولت اسرائیل و بازگشت به قرارداد اسلو و تشکیل دو دولت مستقل و متساوی الحقوق میداند. استقلال فلسطین و تشکیل دو دولت مستقل و متساوی الحقوق با همه خصلت بورژوازی و محدودیتهای آن، اجازه میداد که معضلات اجتماعی اساسی تر، تضادهای طبقاتی، جدال چپ و راست و ترقی خواهی و ارتجاع در هر دو جامعه، بیش از پیش از زیر سایه مساله ملی خارج گردد و به پیش رانده شود. این روند قیچی شد، دولت اسرائیل بر جنایت و شهرک سازی و سلب حقوق فلسطینیان ادامه داد و اکنون با طرح فاشیستی "معامله قرن" فضای جدیدی برای تشبثات راست یهودی و اسلامی و نیروهای مرتجع قومپرست علیه صلح طلبی مردم منطقه ایجاد کرده است. این طرح محکوم به شکست است، نه مردم محروم فلسطین آنها می پذیرند و نه ترامپ و نتانیاهو میتوانند آنها بعنوان "راه حل" و "طرح صلح" بنام خود ثبت کنند.

از نظر ما یک صلح واقعی و پایدار فقط میتواند صلحی به رهبری آزادیخواهان در منطقه باشند. صلحی که انترناسیونالیسم کارگر و انساندوستی و برابری طلبی عمیق مردم منطقه ضامن آن باشد. چنین صلحی بدون یک مقابله کارساز طبقاتی در هر دو کمپ، بدون تفوق سیاسی جدی افق چپ، در اسرائیل و در فلسطین و کشورهای عربی، حاصل نمیشود.

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۳۰ ژانویه ۲۰۲۰



**تشکیل شوراها در محل کار و محلات برای اعمال
حاکمیت و اراده جمعی کارگران در محیط کار، و
مردم در محلات امری مهم و ضروری در تحولات
سیاسی پیش رو در ایران است.**

زنده باد تشکیل شوراها

**برخورداری از محیط کار و زیست ایمن
و سالم حق پایه ای شهروندان است!**

کارگر به پا خیز برای رفع تبعیض



میزگرد اکتبر در خصوص مضحک انتخابات مجلس اسلامی در کردستان.

با شرکت ملکه عزتی و همایون گدازگر



میدادند و حول آن عده ایی را جمع میکردند و برایش تبلیغات میلیونی میشد. امسال این نمایش هم به عرصه ایی از اعلام برائت تعدادی از شرکت کنندگان از رژیم اسلامی تبدیل شد. در یک کلام رژیم در بحرانی ترین وضعیت خود قرار دارد. گرانی همچنان بیداد میکند، مردم با سرکوب شدید و بیسابقه بطور موقت در خیابان حضور ندارند اما خشم و نفرت مردم از این رژیم سرکوبگر نه تنها کم نشده بلکه هر روز هم افزایش مییابد. اما این تصویر به سرعت و با کوچکترین بهانه ایی عوض خواهد شد. وضعیت امروز جامعه را میشود به حالت آرامش قبل از طوفان و انفجار نهایی تشبیه کرد.

همایون گدازگر: جمهوری اسلامی از همان دیماه ۹۶ و بخصوص در اعتراضات آبان امسال در واقع فهمید که مردم جامعه ایران دیگر تن به حاکمیت ننگین او نمی دهند. اعتراضات مردم بجان آمده در بیشتر از صد شهر این پیام روشن را به تمام جناحهای رژیم داد و در واقع همه جناحهای رژیم را به فکر چاره جویی انداخت. این ترس را می توان در همین سخنرانی خامنه ای دید. اما معضلات رژیم اسلامی عمیق تر و ریشه ای تر از آن هستند که بتواند با فریب و قول قرار بر آنها فایق آمد. افلاس اقتصادی رژیم و بخصوص بی اعتمادی و تنفر از **صفحه ۶**

دستپاچه است و وحشت از این اعتراضات و خشم گسترده مردم او را به هر لحاظ فلج کرده. بقول معروف کوه موش زاید. اولین و مهم ترین مهره نظام نتوانست هیچ غلطی بکند. بعد از آن نماز جمعه رژیم اسلامی در هیچ زمینه ایی نتوانسته با اقتداردروغین دوره های قبل ظاهر شود. در سیاست خارجی با همه اهن و تلپ و تهدید امریکا و کشورهای اروپایی با عجز کامل هر روزه پیام "ما حاضر به مذاکره هستیم" به همه دنیا فرستاده اند. جواد ظریف این مدت مهمترین کارش در زمینه سیاست خارجی عجز و التماس درخواست مذاکره و گفتگو بوده، مردم ناراضی در عراق علیه دخالت ایران و علیه دولت مدافع سیاستهای رژیم اسلامی همچنان در خیابانها حضور دارند. مهره های جانی و منفور رژیم هر روزه با عجز و التماس از مردم میخواهند که در انتخابات شرکت کنند، به مردم میگویند با صندوقها قهر نکنید. ازهر چهره مغضوب و حذف شده ایی که در انبان دارند استفاده کرده اند که بازار کساد انتخابات را رونقی ببخشند. نفرت و خشم مردم را دیده اند و وحشت از این ناراضی گسترده و تحرکات انقلابی لرزه به اندامشان انداخته. یک مثال ساده نمایش فرمایشی "جشنواره فجر" است که حداقل تا یکسال قبل بعنوان پشتیبانی از هنر سینما به خورد جامعه

مردم کردستان "کاندیداتورها" را شریک جنایات حکومت اسلامی میدانند.

اکتبر: خیزش توده ای - اجتماعی آبانماه ۹۸ نقطه عطفی تاریخی - اجتماعی در سیر پروسه سرنگونی حکومت اسلامی میباشد که پایه های اساسی رژیم اسلامی را لرزاند و خامنه ای رسمن در ۲۷ آبانماه بدان اعتراف و دستور کشتار معترضین را بی محابا صادر نمود. اما، متعاقب آن، جنبش در اشکال متفاوت کارگری - توده ای اجتماعی و بویژه ۱۶ آذر سرخ در مراکز دانشگاهی و در جنایت سرنگونی هواپیما، ادامه پیدا کرد. ناچاراً، علی خامنه ای برای نخستین بار در هشت سال گذشته در مراسم نماز جمعه ۲۷ دیماه ظاهر شد. سخنرانی نمود. کلا بعد از آن، وضعیت حکومت اسلامی را چگونه میبینید؟

ملکه عزتی: همانطور که خود شما هم اشاره کردید خامنه ایی بعد از سالها و به خیال خودش برای خاموش کردن صدای معترضین و هجوم گسترده ایی که به کل حاکمیت اسلامی در جامعه شکل گرفته بود به نماز جمعه آمد. اما همان دقایق اول به سادگی میشد دید که خامنه ایی کاملاً

میزگرد اکتبر در خصوص مضحکه انتخابات مجلس اسلامی در کردستان

با شرکت ملکه عزتی و همایون گدازگر

توان مرعوب کردن یک جامعه ۸۰ میلیونی و پیشروان رادیکال و معترض صفوف مردم را ندارد. اعتصابات کارگری فروکش نکرده، سفره خالی مردم با توجه به گرانی بیسابقه کماکان خالی است. زندانیان سیاسی کماکان در بند هستند. هیچ نشانی از اینکه مردم عقب خواهند نشست وجود ندارد.

مردم یکبار دیگر با حضور خود در عرصه مبارزه لرزه بر اندام سران نظام خواهند انداخت. پروسه ایی که در دیماه ۹۶ شروع شد قطعاً پایان نخواهد یافت. مگر با سرنگونی انقلابی این رژیم هارو جنایتکار.

اکتبر: با توضیحاتی که داده شد و تاکید کردید که، سرنگونی حکومت اسلامی در بطن سیاست اجتماعی و دستور روز جامعه قرار گرفته است. خامنه ای کابوس سرنگونی رژیمش را، در مقابل خود می بیند. با این وصف. اما، برگزاری مضحکه انتخابات مجلس اسلامی را در دستور قرارداد داده اند. در کردستان

عده ای کاندید و صلاحیتشان تأیید شده است. در چنین برهه ای از موقعیت حکومت اسلامی، چگونه فکر میکنید. توقع پیامتان به مردم آزادیخواه جامعه کردستان و از فعالین رهبری عملی توده ای - اجتماعی و بویژه "کاندید شدگان" چیست؟

رژیم در جامعه، به سبب تحمیل فقر و نداری بی انتها به مردم زحمتکش، در کنار انزوای بین المللی، رژیم اسلامی را در بدترین شرایط در تمام طول تاریخ ننگینش قرار داده است. امروز نه تنها مردم بجان آمده معترض، حتی رسانه های بورژوازی طرفدار جمهوری اسلامی هم از پایان کار جمهوری اسلامی حرف می زنند. چماق سرکوب جمهوری اسلامی که این رژیم تبهکار ۴۰ سال آزرگار است در سایه آن پا برجا مانده است، اکنون دیگر کارایی سابق را ندارد. در خیزش توده ای آبان ماه نشانه های زیادی از تمرد و دودلی و تسلیم در بین نیروهای نظامی رژیم خود را نشان داد که در ادامه جنبش سرنگونی قطعاً می تواند در بین نیروهای سرکوبگر تفرقه بیندازد و این خود بمثابة پایان شیشه عمر رژیم اسلامی است.

با این حال ممکن است جمهوری اسلامی بر ای نجات از وضعیت بحرانی فعلی دست به تر فندهایی بزند، قدرت گرفتن نظامیان و مذاکره با آمریکا شاید یکی از راههایی باشد که به آن فکر می کنند. اما حتی در پیش گرفتن این گزینه ها دیگر بداد رژیم اسلامی نمی رسد. جمهوری اسلامی رفتنی است و این خود پیش شرط هر تحول مثبت در آینده جامعه ایران است.

اکتبر: آیا اعتراضات توده ای - اجتماعی، بعد از سخنرانی خامنه ای، فروکش کرده است؟

ملکه عزتی: ببینید در سوال بالا هم به این موضوع اشاره کردم. جامعه در اعتراضات آبان و متعاقب آن در روز دانشجو ۱۶ آذر و اعتراضات دیماه شاهد سرکوبی بیسابقه بود. تیراندازی و شلیک مستقیم به هر تک نفری که در آن روزها در خیابان حضور داشت، بازداشت بیش از ۷۰۰۰ نفر کشتن بیش از ۱۵۰۰ نفر، تهدید و آزار و اذیت خانواده ها و حضور وحشیانه پاسداران و گله بسیجی ها در خیابان جهت ایجاد ارعاب و وحشت تنها گوشه کوچکی از سرکوب هدفمند مردم بود. این اقدامات باعث ترس مردم نشد، در ۱۶ آذر دانشجویان انقلابی و رادیکال دست به اعتراض زدند، در دیماه یکبار دیگر مردم علیه این حکومت با شعار جمهوری اسلامی نمیخوایم به خیابان آمدند. در نتیجه حربه جمهوری اسلامی در نمایش نماز جمعه هم نتوانسته و نمیتواند جامعه را به سکوت بکشاند. مردم یکبار دیگر قوایشان را جمع خواهند کرد و جمهوری اسلامی را با مصافی بزرگتر و حیاتی تر روبرو خواهند کرد. ترس مردم از قساوت و وحشیگری رژیم و دستگاه سرکوب آن فرو ریخته. در طی این ۴ دهه چنین تعدد اعتراضات و تکرار اعتراضات با چنین فواصل کوتاهی کم دیده شده. حباب هیبت مخوف سپاه و نیروهای امنیتی شکسته، مردم مصمم میدانند که در تسویه حساب نهایی با رژیم قرار گرفته اند. مردم ناقوس مرگ جمهوری نکبت اسلامی در دیماه ۹۶ را، به صدا در آوردند و این روند همچنان ادامه دارد. رژیم

میزگرد اکتبر در خصوص مضحکه انتخابات مجلس اسلامی در کردستان

با شرکت ملکه عزتی و همایون گدازگر

همایون گدازگر: انتخابات در جمهوری اسلامی همیشه نمایش و مضحکه بوده است. رژیم همواره با حيله و فریب و تطمیع به اضافه تقلب دایمی در انتخابات توانسته است انتخابات را برگزار کند و برای خود مشروعیت بخرد. اما در کردستان صندوق رای جمهوری اسلامی همیشه منفور و منزوی بوده است. ریختن رای در صندوق به معنای بوسیدن دست قاتلین فرزندان مردم تداعی شده و مردم کردستان بحق با بی اعتنایی به این خیمه شب بازی نگاه کرده اند. با اینحال رژیم با استفاده از خیل مزدوران محلی و نیروهای نظامی اش صف رای دهندگان را در روز انتخابات بهم بافته و از انتخاباتی تا انتخابات دیگر تا اینجا آمده است.

اما حالا دیگر اوضاع فرق کرده است. جلو چشم مزدوران عمر رژیمشان دارد به آخر می رسد. در این انتخابات پیش رو نباید به مزدوران ۴۰ ساله رژیم اجازه جنب و جوش و خودنمایی داد. این بار اینها شاید برای آخرین بار شانس آنرا دارند که دیگر سرنوشت و زندگی خود را با سرنوشت جمهوری اسلامی گره زنند، هنوز شانس پیوستن به مردم و یا لافل فاصله گرفتن از کاندیداتوری و تبلیغ برای رژیم را دارند. ممکن است فردا دیگر دیر باشد. جوانان مبارز و مردم آزادیخواه در هر شهر باید با صراحت و قاطعیت این پیام را به آنها برسانند که دوران مزدوری به پایان رسیده است و کاندید شدن برای نمایندگی مجلس می تواند حداقل با گوشمالی دادن آنها

مواجهه شود. این مزدوران باید شناخته شده و مورد تهدید و در صورت لزوم گوشمالی داده شوند. جامعه ایران و بخصوص کردستان پس از خیزش جانانه آبان و ایستادن در مقابل رژیم نباید چنین دهن کجی آشکاری را از این مزدوران قبول کند.

اموظیفه مردم آزادیخواه کردستان در روز مضحکه انتخابات بسی مهمتر و تعیین کننده است. باید از همین امروز شرکت در انتخابات و هر انگشتی رنگی بعنوان مزدوری برای رژیم و پا گذاشتن روی اهداف و فداکاری جانباختگان آبان ماه تبلیغ و تلقی گردد. علاوه بر آن امسال روز انتخابات تنها روز تحریم نیست. بلکه روز بیرون آمدن از خانه و بر هم زدن حوزه های انتخاباتی و در هم کوبیدن صندوقهای مضحکه انتخابات است.

روز انتخابات در دوم اسفند در کردستان می تواند به روز از سر گرفتن اعتراض به جمهوری اسلامی و تکرار خیزش آبان مبدل گردد. جامعه کردستان و ایران آبستن تحولات عظیم تری است که روز مضحکه انتخابات می تواند روز جرقه زدن و ادامه دور تازه آن باشد.

ملکه عزتی: با اطمینان میگویم این کارنوال مفتضح هم بداد رژیم نخواهد رسید. مضحکه ایی که رژیم آن را انتخابات میخواند شاید چند سال پیش میتوانست عده ایی را بفریبد و تشویق کند که در این سیرک شرکت کنند، اما امروز قطعا این یک بازی

باخت، باخت برای رژیم خواهد بود. اولاً از میان کسانی که کاندید شده اند بیشتر از ۶۰٪ تایید صلاحیت نشده اند. کسانی که توسط شورای نگهبان تایید صلاحیت شده اند غربال شده منفورترین و کثیفترین چهره های مورد اعتماد رژیم هستند. کسانی هستند که رژیم با بودن آنها در مجلس حتی بطور موقت احساس امنیت میکند و میداند آنها مدافع منافع و سیاستهای رژیم جنایتکار اسلامی هستند. آنها را مردم انتخاب نمیکند، آنها اسمشان با رای یا بدون رای از صندوق شعبده بازی انتخابات بیرون خواهد آمد. کسانی که کاندید نمایندگی مجلس هستند و فکر میکنند با ورود به مجلس صاحب اسم و رسمی خواهند شد بدانند که در حقیرانه ترین موقعیت خواهند بود. اکثریت مردم به آنها اعتماد ندارند، وعده های انتخاباتیشان برای مردم پشیزی ارزش ندارد. مردمی که عزیزانشان در زندان زیر شکنجه

جان دادند و اعدام شده اند. مردمی که روزانه اخبار خودکشی بدلیل فقر و بیکاری را میشنوند، مردمی که زندگی کولبران را شاهدند، مردمی که مرگ دو کودک کولبر را همین چند ماه پیش دیدند، مردمی که سفره های خالیشان هر روز خالی تر میشود رای نمایندگی به مهره های دستچین شده این رژیم منفور را نخواهند داد. مردم به کسانی که میخواهند از قبل تحمیل فلاکت بیشتر به مردم زحمتکش جیبشان را پر کنند ندارند اعتمادی ندارند. مردمی که برای

میزگرد اکتبر در خصوص مضحکه انتخابات مجلس اسلامی در کردستان

با شرکت ملکه عزتی و همایون گدازگر

لقمه ای نان کلیه میفروشد نماینده به طویله اسلامی نمیفرستند، پدر و مادرائی که فرزندانشان در راه های صعب العبور مرزی برای لقمه ایی نان یخ زدند نماینده مجلس اسلامی نیاز ندارند. این مردم راه نجات در فریاد گلوهای بغض کرده از خشم پیدا میکنند. مردم به جان آمده از نابرابری، فقر، ستم و استثمار کل این صف بیشرم و وقیح را که برای چپاول و دزدی بیشتر میل رفتن به مجلس کرده اند همراه با جمهوری اسلامی سرنگون خواهند کرد. مردم زحمتکش در کردستان بیش از ۴۰ سال است زیر ستم و سرکوب سیستماتیک رژیم اسلامی قرار دارند، دختران شین آباد در آزادی نداشتن یک محیط ایمنی آموزشی زندگیشان را برای همیشه باختند، کارگران معادن آقدره را کسی فراموش نکرده. آنها بخاطر حق خواهیشان حکم شلاق گرفتند، اعدامهای علنی و پنهانی جوانان از فرودگاه سنندج تا بقیه سیاهچالها .

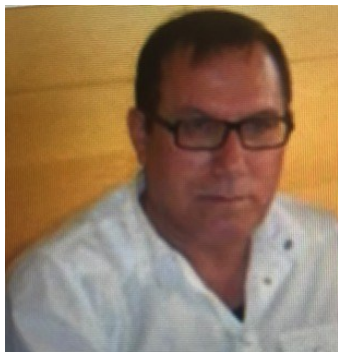
رژیم در سالهای اخیررا هم مردم خوب بخاطر دارند. کسانی که کاندید نمایندگی مجلس شده اند، همگی و بدون استثنا عامل بقای هر چند موقت رژیمی میشوند که پرونده جنایاتش درحافظه مردم کردستان از ابتدا تا امروز ثبت شده است. افرادی که که کاندید نمایندگی مجلس اسلامی شده اند از منفورترین چهره ها و دست نشاندهاگان این رژیم با این سابقه خونین در شهرهای کردستان هستند. آنها مهره های قابل اعتماد رژیمی هستند که دستش به خون عزیزان ما آغشته است. اینها شریک جرم رژیمی خواهند شد که مردم قصد سرنگون کردن آن را دارند، سرنوشت آنها با رژیم یکی است. کسانی هم که با وعده و وعید وارد سیرک رای دادن میشوند باید دوبار فکر کنند که برگه رایشان برگه تایید جنایت و همراهی کردن با رژیم سرکوبگر اسلامی است. ادعای محظورات روابط خانوادگی، آشنایی و دوستی و خصوصا انتخاب بین بد و بدتر بهانه های پوچ و بی پایه ای است که در روز های پایانی عمر رژیم و بازخواست نهایی مردم از اینها از هم اکنون رد شده است. در روز نمایش انتخابات در شهرهای کردستان با برهم زدن این بساط و تبدیل این روز به روز محاکمه علنی کاندیداها و رژیم نشان دهیم که قصد نداریم اجازه بدهیم این سیرک بی سر و صدا و در آرامش پایان پذیرد. قطعا این انتخابات از هر زمان بی رونق تر خواهد بود، اما ما مردم زخم خورده از این رژیم نباید اجازه بدهیم آنها فقط شاهد بی رونقی این مضحکه باشند. باید درسی به اینها داد که وحشت دیمه ۹۶ و آبان و آذر و دیمه ۹۸ را دوباره تجربه کنند.

با سپاس از شرکتتان!

من به هیچ خرافه‌ای، به هیچ ناحقی، حتی اگر همه مردم جهان به آن صحنه بگذارند، احترام نمیگذارم. این را البته حق هر کس میدانم که به هر چه میخواهد باور داشته باشد. اما میان احترام به آزادی عقیده افراد با احترام به عقیده افراد فرق اساسی هست. ما بر فراز جهان تننشته‌ایم و داور این دنیا نیستیم. بازیگران و شرکت کنندگان در آن هستیم. هر یک گوشه‌ای از این جدال تاریخی-جهانی هستیم که به نظر من از آغاز تا امروز بر سر آزادی و برابری انسانها در جریان بوده است. من به خرافاتی که با آنها در حال جنگم و زجر انسانها را در چنگال آن دیده‌ام، احترام نمیگذارم. "منصور حکمت"



شوراهای محلات ایجاد باید گردد!



انتخاب مردم، سرنگونی جمهوری

اسلامی است!

عبدلله دارابی

چند کلمه در رابطه با مضحکه انتخابات مجلس جمهوری اسلامی در دوم اسفند ماه ۱۳۹۸

انتخابات، واژه ای کلیدی و جهانشمول است که در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، ممنوع و دست نیافتنی است. زیر سلطه این رژیم، نه تنها انتخابات، بلکه حق حیات نیز برای انسان های حق طلب ممنوع و غیر مجاز است. چون رژیم تحمیل شده بر مردم ایران هر وقت منافع اش اقتضا کرده براحتی جان انسان حق طلب را وثیقه آن قرار داده و حق حیات را از آن گرفته و میگیرد. برای نمونه: این رژیم گانگستری جمهوری اسلامی، در تازه ترین حملات خود به صف تظاهرات اعتراضی مردم ایران در آبانماه امسال(۱۳۹۸)، بیش از ۱۵۰۰ نفر از معترضین بی دفاع را در ملأعام به رگبار بست و کشت، حدودا ۱۰ هزار نفر را زخمی نمود و هزاران نفر دیگر را نیز دستگیر و زندانی و سربه نیست کرد و حتی از تحویل جنازه بعضی هاشان تاکنون نیز سر باز زده است.

طی چهل سال حکمروایی جمهوری اسلامی، پدیده ای بنام انتخابات آزاد صورت نگرفته است. چون اگر انتخابات واقعی وجود داشت و اعمال اراده مردم بکار گرفته می شد، بی تردید این جرثومه فساد و تباهی در ایران

هیچوقت بر گرده مردم سوار نمی شد و بر اریکه قدرت تکیه نمی زد.

بگذار بیعت کنندگان و حامیان درون و بیرون رژیم اسلامی بویژه اپوزیسیون ملی اسلامی سجده رفته و ضد کارگرمچنان بدفعا از رژیم، به یاهه گوپی و لیچار بافی ادامه دهند، آنچه امروز در جامعه ایران میگردد، تصمیم قطعی و ابراز وجود عملی جنبش اعتراض سیاسی- اجتماعی توده ای، تشنگان آزادی و برابری است که، پایه های اساسی آنرا بلرزه درآورده است و میروود تا همه تار و پود این نظام فاسد و آدمکش را در هم بیچد و با بزیر کشیدنش از اریکه قدرت، آنرا برای همیشه از صحنه سیاست ساقط کند و به زباله دان تاریخ بیندازد.

رژیم جمهوری اسلامی، انتخاب مردم ایران نیست و باید برود و گورش را گم کند. این، روشن ترین و واضح ترین حکمی است که عملا مردم ایران آنرا با بهای خون خود در تاریخ به ثبت رسانده اند. باید اینرا دانست که، علیرغم هر نوع علایق و وابستگی سیاسی مردم بآن احزاب و گروه های سیاسی، ولی فی نفسه سبک و شیوه زندگی اکثریت آنها با تمام قوانین و فرهنگ و آداب و رسوم این رژیم متحجر و متعصب در تناقض است و به هیچ وجه با آن خوانایی ندارد و خود همین برای کنار زدن این رژیم کافی است.

این رژیم، باید متوجه شده باشد که جواب شاد زیستن و دلخواه زیستن و ابراز و بیان محبت و عواطف و علایق انسانها را نمیتوان به گلوله بست و نابود کرد. فاصله توقعات زندگی امروز مردم ایران با سنت های کپک زده این رژیم ارتجاعی به هیچوجه پر شدنی نیست و به صرف همین تناقض، این رژیم جایی در صحنه سیاست ایران ندارد و باید از اریکه قدرت پایین کشیده شود. ۴۰ سال مبارزه برای رسیدن به یک زندگی بهتر چیزی نیست که این رژیم بتواند آنرا نابود کند. چهل سالی که گذشت، آزمون بزرگی بود که نشان داد رژیم فوق ارتجاعی جمهوری اسلامی، به صرف اتکا کردن به سفاکی و سببیت بودن خویش قادر نشد طبقه کارگر مبارز و مردم آزادیخواه ایران را از سرراه به درکند و آنها را از پیشبرد خواست برحق تا کنونی شان که سرنگونی رژیم اسلامی است، برحذر دارد!

مردم مبارز و جوانان آزادیخواه!

تقابل آشکار و عریان مردم علیه جمهوری اسلامی، صحنه سیاسی امروز ایران را بکلی تغییر داده که نمیتوان ساده از کنارش رد شد و به آن بی توجه بود. با توجه به آن، جا دارد در تداوم خیزش آبانماه امسال مردم آزادیخواه ایران، کل بساط مضحکه انتخابات را رو سر رژیم خراب کنند و

انتخاب مردم، سرنگونی جمهوری اسلامی است

عبدالله دارابی

اجازه نداد یک مشت جیره خوار و آدمکش رژیم در گوشه و کنار جامعه تحت نام کاندید مجلس، آشکارا به رژیم مشروعیت دهند و بعنوان نامزد برای اجرا و پیشبرد قوانین بغایت ارتجاعی جمهوری اسلامی اظهار وجود نمایند!

جوانان مبارز و انقلابی در سراسر ایران بویژه در کردستان، باید از همین حالا عملاً دست بکار شوید و از همه ابتکارات خود برای خنثی کردن تدارک انتخابات رژیم استفاده نمایند. و همه بنر و تراکت های رژیم و عکس و نوشته کاندید ها را بر در و دیوار شهر ها و روستا و معابر عمومی پایین آورید و به آتش بکشید. در جای ممکن نامزد ها را گوشمالی دهید و آنها را از مزدوری رژیم بر حذر دارید.

با نوشتن شعار بر در و دیوار و معابر عمومی بنویسند ” نه به انتخابات، مرگ بر جمهوری اسلامی، خواست اکثریت مردم سرنگونی جمهوری اسلامی است و...“. چون روز انتخابات و رای گرفتن از مردم هیچوقت برای رژیم تعیین کننده نبوده و رای هیچ کسی هم شمرده نشده است. همواره تعیین تکلیف انتخابات های رژیم، ماه ها قبل تر از روز انتخابات از طریق بده و بستان و معامله بین جناحها و سردمداران رژیم صورت گرفته و سر سوزنی هم به رای و اعمال اراده مردم برای تحقق خواست هاشان و چگونه زیستن شان توجه نشده است. بنا بر این، تنها راه مثمر ثمر ایستادن در مقابل رژیم و بزیر کشیدن آن است.

این فرصت کوتاه را از دست ندهید. از همین حالا فضای تدارک انتخابات را به فضای اعتراض علیه رژیم تبدیل کنید و اجازه ندهید این سیاست نخ نمای رژیم تحت نام انتخابات عملی شود.

عبدالله دارابی ۲۰۲۰-۲-۴

در رابطه با انتخابات، اکتبر می پرسد

سعید یگانه

انتخابات، با چنین تحرکاتی، با شعار نویسی علیه انتخابات، همچون، “انتخابات بی انتخابات، مرگ بر جمهوری اسلامی” “سرنگون باد جمهوری اسلامی” “انتخاب ما سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی است” عرصه را بر جمهوری اسلامی و عواملین آن تنگ کرده و اجازه ندهیم که این انتخابات را به راحتی و بدون دغدغه بر گذار کنند.

خطاب من به مزدوران رژیم، به داوطلبان شرکت در انتخابات مجلس کذایی جمهوری اسلامی این است که باید خوب بدانند که شرکت در این انتخابات و داوطلب شدن برای نمایندگی در مجلس رژیم جنایتکار اسلامی و هر نوع همکاری در این زمینه، از نظر ما و مردم آزادیخواه کردستان نه تنها مردود و غیرقابل قبول، بلکه به معنای همکاری و همیاری برای بقا و حیات رژیم اسلامی است، تأیید جنایات رژیم اسلامی و هیچ توجیهی بر نمیدارد. در شرایطی که اکثریت مردم ایران برای سرنگونی رژیم اسلامی روز شماری می کنند واز جان خود مایه میگذارند و برای آن خون می دهند، هر نوع همکاری و همیاری رژیم جهت برگزاری این انتخابات، از نظر ما به معنای حمایت از رژیم جنایتکار اسلامی وقرار گرفتن در مقابل مردم آزادیخواه کردستان است و باید روز خود به مردم حساب پس بدهند.

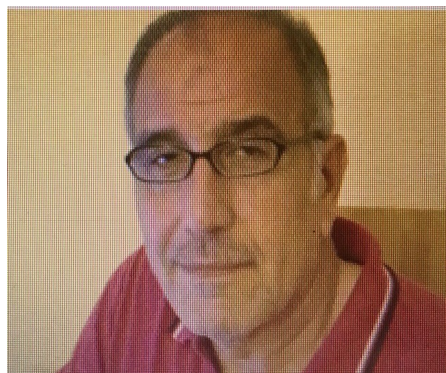
رژیم سرمایه داری اسلامی نه خود و نه انتخاباتش از نظر اکثریت مردم کارگر و محروم و ستمدیده، از نظر اکثریت زنان و جوانان جامعه ایران فاقد مشروعیت و رای آنان رفتن رژیم است. نه نمایش مضحکه انتخابات مجلس اسلامی و نه هیچ ترفند دیگری بر متن این همه بحران و تناقضات و ناهنجاری های اقتصادی و اجتماعی نمیتواند رژیم اسلامی را از مرگ حتمی نجات دهد.

سعید یگانه

نه به حکومت ضد زن!

در رابطه با انتخابات، اکتبر می پرسد

سعید یگانه



وبه سختی بتواند جان سالم به در ببرد و خود را از این منجلاب نجات دهد. نه کارنوالهای اسلامی و نه رجز خوانیهای خامنه ای در نماز جمعه ها و نه سیرکهای انتخاباتی نیز نمیتواند بقا و حیات رژیم اسلامی را تامین کند. به این دلایل در شرایط کنونی خود سران رژیم اسلامی هم مطمئن نیستند که بتوانند این انتخابات را همانند دوره های پیش بدون دردسرو با آسایش سپری کنند.

با این وصف رژیم اسلامی هر چه که در توان دارد وبا همه امکانات مالی، نظامی و تبلیغاتی که هنوزدر اختیار دارد تلاش می کند که این انتخابات را برگزارکند و همانند دوره های پیش مشروعیت فرمال و قانونی بدست بیاورد. پیام من به مردم آزادیخواه کردستان، به کارگران و زحمتکشان، به زنان و جوانان انقلابی، به فعالین این است که دست در دست هم تلاش کنند که این انتخابات را به روز اعتراض علیه جنایات جمهوری اسلامی، به عدم مشروعیت رژیم با انتخاباتش تبدیل کنند. هر جا که ممکن و عملی به نظر می رسد، تبلیغات انتخاباتی و صندوقهای انتخاباتی را پاره و بر سرشان خراب کنند. روزهای قبل از برگزاری

صفحه ۱۰

را کارگران، معلمان، زنان و جوانان از شروع اعتراضات دی ماه به این طرف و بخصوص در روزهای خیزش انقلابی آبانماه با حضور گسترده در اعتراضات خیابانی با شعارهای سرنگون طلبانه برای چندمین باربه رژیم اسلامی اعلام کردند که می خواهند گورش را گم کند و اگرزورشان می رسد تا کنون کارش را تمام کرده بودند.

می خواهم بگویم که رابطه مردم با رژیم اسلامی بخصوص بعد ازاعتراضات آبانماه و کشتاروحشبانه و حمام خونی که از جوانان معترض و جان به لب رسیده به راه انداخت و دستگیری هزاران نفر از معترضین که از سرنوشت آنان هنوزخبری نیست، به یک همزیستی تماما غیر ممکن تبدیل شده و چیزی که هست و رژیم اسلامی را تا کنون از گزند تعرض مردم و سرنگونی نجات داده، سرکوب، دستگیری و، زور و زندان و شکنجه است که این هم کارایی خود را از دست داده است.

واقعیت این است که جامعه ایران وارد دوره ای متحول شده و هیچ چیزی عادی به نظر نمیرسد. مردم با رنج و مشقت روز را به شب می رسانند. هر روز که میگذرد نارضایتی و نفرت از رژیم بیشتر و بیشتری شود. فقر و بیکاری و گرانی بیداد می کند. روزی سیل و روزی زلزله از مردم تلفات میگیرد و هست و نیستشان را از دست می دهند و فریاد رسی ندارند. از طرف دیگربقای رژیم اسلامی نیز با این همه بحران و ورشکستگی اقتصادی و سیاسی و فرهنگی بینهایت زیر سوال است

اکتبر: انتخابات مجلس اسلامی بزودی برگزارمی شود پیام شما در این رابطه به مردم کردستان چه هست.

سعید یگانه: از نظر ما و اکثریت مردم کردستان نه امروزو نه هیچوقت در طول حیات جمهوری اسلامی نه تنها انتخابات مجلس اسلامی که همه انتخاباتها در جمهوری اسلامی نه قابل قبول و نه مشروعیتی داشته است. از نظرما و مردم کردستان انتخابات در جمهوری اسلامی مضحکه و نمایش مسخره ای بیش نیست. امروز بخصوص از زاویه اکثریت مردم کارگرو محروم جامعه ایران نیزانتخابی اگر هست، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است. رژیمی که طی چهل سال حاکمیت جز فقر و بدختی و سرکوب خاصیت دیگری برای مردم زحمتکش و رنجدیده کردستان نداشته است چه دلیلی دارد که مردم انتخاباتش را قبول کنند و در آن شرکت کنند.

جامعه کردستان نه امروز و نه هیچوقت حاکمیت رژیم اسلامی را قبول نکرده، زیر بارحاکمیت سیاه ان نرفته و از همان اوایل به قدرت رسیدن رژیم اسلامی در انتخابات جمهوری اسلامی آری یا نه در آن شرکت نکرد و دست رد به سینه رژیم اسلامی زدند. بخصوص امروزو طی دو سال گذشته که مردم کارگر و زحمتکش، جوانان و زنان با اعتراض و مبارزه و حضورمداوم در اعتراضات به رژیم اسلامی نشان دادند، که نه انتخابات که خواهان سرنگونی کل نظام استثمارگرو سرکوبگررژیم اسلامی هستند. این نخواستن

نه به فقر، نه به تبعیض، مرگ بر جمهوری اسلامی!

چرا نباید در مضحکه انتخابات شرکت کرد!

ابوبکر شریف زاده



ابوبکر شریف زاده

abo_sh2008@hotmail.com

دلار بارها از زبان گردانندگان این چپاول علیه همدیگر شنیده اید. بقول معروف وقتی که اسب ها در سر بالایی همدیگر را گاز می گیرند. این توضیح کوتاه که عصاره و شاخص رژیم اسلامی سرمایه است ضروری بود و هست تا بر گردیم به بحث شیرین "انتخابات" چه انتخابی آیا احزاب، شخصیتها حق دارند حتی در تاریخ خانه های قلب خود به کاندید شدن فکر کنند با کدام درجه و درصد مردم آزادند کاندید شوند و یا کاندید کنند. انتخاب یعنی دربین چند گزینه متفاوت حق داشته باشید. نه انتخاب از یک نوع! حتی دربین همان یک نوع خودشان خیلی ها حذف می شوند. چه رسد به مخالفی اگر باشد. با این اشاره کوتاه نتیجه می گیریم که انتخابات در رژیم اسلامی یک توهین و دهن کچی به مردم ایران بیش نیست.

این ماجرا و جوک "انتخابات" را بگذاریم کنار برگردیم به بازیگران و آرتیستهای این خیمه شب بازی آنها در این اوضاع و احوال به شدت بحرانی و سردرگمی رژیم بویژه در کردستان خطاب من به کسانی صفحه ۱۳

روز روشن برای نجات قدرتشان با بی شرمی اعلام می کنند که باید صبر داشته باشیم، باید صبور بود نباید با صندوقها قهر کنیم چرا که خدا گرسنگان را دوست دارد بقول خمینی خدا هم کارگر و گرسنه بود.

اما، فراخوان سران رژیم فقط برای مردمی است که روزانه و در طول سال به خاطر نداشتن کمترین امکانات معیشتی و زیستی پناه به خودکشی، اعتیاد، کولبری، تن فروشی و اعضاء بدن فروشی برده اند تا امروزشان را به قیمت جانشان به فردا برسانند. و از طرف دیگر دزدان مافیای در قدرت روی زمین سفت برای خودشان بهشت ساخته و مردم را به بهشت خیالی و جهنم واقعی دعوت می کنند. کافی است اشاره کنیم فقط به یک قلم حساب بانکی سکینه خانم دختر خامنه ای در بانکهای دبی و مالزی که از دست رنج و خالی کردن سفره هفتاد میلیون مردم ایران که به ادعای خود رژیم هفتاد میلیون مردم در حکومت خدا محتاج لقمه نانی هستند که به ازای یک نفر پنجا و پنج هزار تومان مبلغی کمتر از چهار و نیم دلار در نظر گرفته اند. که خود این کمک اوج توهین و تحقیر به مردم است. اما مبلغ دختر خامنه ای را نگاه کنید خیالی و من درآوردی نیست باور کنید. چهارده میلیارد دلار معادل پنجاه و هشت تیلیارد و هشتصد میلیارد تومان است این یک مورد از هیولای مافیا تنیده در تار و پود رژیم اسلامی، علیه مردم است. غارت و چپاول در حکومت اسلامی چنان به نرم تبدیل شده که خود شماهای محتاجان چهار

قبل از پرداختن به این موضوع یادآوری یک نکته بسیار مهم لازم و ضروریست آنها هم چگونگی سرکارآمدن حکومت ضد انسانی جمهوری اسلامی سرمایه داری در ایران به کمک غرب که در تاریخ ۴ تا ۷ ژانویه ۱۹۷۹ یعنی ۱۴ تا ۱۷ دیماه ۱۳۵۷ میان روسای چهار قدرت اصلی (آمریکا، انگلستان، فرانسه و آلمان غربی وقت) در جزیره گوادلوپ برای بررسی وضعیت بحرانی ایران در آن دوران برگزار شد و از آنزمان تا به امروز بختک کثیف و ضد انسانی حکومت اسلامی را در مقابل خواست بر حق مردم جان به لب رسیده از دست خاندان پهلوی علم کردند و از همان موقع تا به امروز مردم بعلت سرکوب و نقض کوچکترین آزادیها و تغییر در زندگی خود مشغول مبارزه با رژیم هستند. و از بدو به قدرت خزیدن این رژیم توسط غرب ما گفتیم که این رژیم کوچکترین قربانی با خواست، امیال و آرزهای تحقق نیافته مردم ندارد به همین فاکت و دلیل روشن گفتیم این رژیم بحران سیاسی و لاینحل دارد و تا به امروز بیش از چهل سال است در این منجلاب بحران غرق شده و دست و پا می زند و برای نجات خود به هر خار و خاشاکی چنگ می اندازد. جدا از بحران اصلی سیاسی بدلیل بی ربط بودن و عاجز از تحقق خواست و مطالبات مردم به لحاظ اقتصادی هم مشکل حاد دیگری برمشکل سیاسی افزوده و سال به سال این مشکلات چون خوره به جان سرتا پای رژیم افتاده است همین مسله امروز رژیم را به لبه پرتگاه رسانده است و دولتمردان در

چرا نباید در مضحکه انتخابات شرکت کرد!

ابوبکر شریف زاده

چهل سال زمان کافی نبود پس تا کی دنبال و تکرار این سیکل باطل هستیید آنهم در شرایطی که در سراسر ایران و در صدها شهر و در ابعاد چند میلیونی و با صدای رسا ندا دادند که جمهوری اسلامی را نمی خواهیم. بنابراین همت کنید آن هفتاد میلیون محتاج چهار دلار یارانه عملاً با نرفتن به پای صندوقهای رای در سراسر ایران عزم خود برای نخواستن و برای به زیر کشیدن و سرنگون کردن جمهوری اسلامی سرمایه که خالق و گسترش دهنده تمام گرفتاری و نابسامانیهای جامعه است را در هم آمیزید و به جای رای دادن به حفظ و بقاء ننگینش، ارکستر و سنفونای انقلاب کارگری را بنوازید!

ابوبکر شریف زاده ۱۲ بهمن ۱۳۹۸

است که تا به حال در کنار این رژیم قرار نگرفته اند و یا اگر قبلاً بود و دشمنان به رژیم وصل بوده فاصله بگیرند و با طناب پو سیده رژیم خود را در چاه تاریک و لایتناهی قرار ندهند و مردم نباید فریب تبلیغات رژیم و کسانی را بخورند که گویا کاندید مردمند و قراراست کاری انجام دهند. کسانی که این گونه می اندیشند راه به جایی نمی برند چرا که نمی شود عدالت را از قاتل و جانی توقع داشت.

بعد از چهل سال هر چهار سال یکبار شما را برای چند ساعت و فقط برای اینکه سران رژیم در افکار عمومی مشروعیت خود را اعلام کنند نیاز دارند اگر قرار برای تغییر در زندگی شماها بود در چهل سال گذشته باید این اتفاق می افتاد. بنابراین به این خیال نباشید بقول معروف نباید انسان از یک سوراخ دوبار گزیده شود شماها ده بار گزیده شدید بس است!

کسانی که کاندید شده اند باید پشیمان شوند و اگر پشیمان نشوند باید پشیمانشان کرد. کسانی که کاندید هستند و کسانی که پای صندوق رای می روند شریک جرم چهل سال جنایات رژیم هستند. انگشتی که در جوهر رای دادن رنگی می شود با انگشتی که روی ماشه تفنگ است و به کولبر، تظاهر کننده و کارگر معترض شلیک می کند فرقی ندارد چه بسا جرم رای دهنده سنگین تر است چرا که رای دهنده است که خواهان وضع موجود و در قدرت ماندن آمران و عاملان شلیک کردن ماشه ها هستند. نباید به بد و بد تر به سن تن فروشی زیر دوازده سال به ماندگاری جهل به رنگ سبز به اعتیاد جوانان به رنگ بنفش به تجاوز به دختران در زندان به اسید پاشی روی زنان به هفتاد میلیون نفر زیر خط فقر و مرگ تدریجی به آوارگی میلیونی به اعدام صدها هزار نفر به اختلاس و غارت به حجاب اجباری و دربند بودن چهل میلیون زن و هزاران زندانی سیاسی نباید رای داد!

در خاتمه می توان از چهل سال جنایات رژیم که روزانه علیه شماها انجام داده گفت اما به همین کوتاه اکتفا می کنم اگر قرار بود و قرار است برای شماها مردم ساکن در آن جغرافیا کاری در جهت بهبود وضعیت معیشتی و ریستی، رفاه و آسایش تان انجام می دادند. آیا

حکومت اسلامی ۴۰ سال بعد از

انقلاب ۵۷

باز تکثیر مصاحبه اکتبر با اسماعیل ویسی

در خاتمه برای تقابل جدی و اساسی برای سرنگونی حکومت اسلامی، و تقابل با جنبش ناسیونالیستی کرد در کردستان هم، سازماندهی سراسری در ابعاد وسیع در جامعه کردستان را می طلبد. باید گامهای عملی را برداشت. محافل فعالین و رهبران جنبشهای اجتماعی آزادیخواه و برابری طلب در تمامی شهرهای کردستان وجود دارند. وظیفه رهبران عملی کارگری، کمونیست، و جنبشهای توده ای اجتماعی این است که برای مرتبط شدن و ایجاد شبکه سازماندهی وسیع این محافل برای مادیت بخشیدن به مفاد چه باید کردشان اقدام کنند. که بتوان حاکمیت شوراهای مردمی را که اشاره کرده ام مادیت بخشید. زیرا این تنها راه تقابل جدی در ابعاد اجتماعی می باشد!

اسماعیل ویسی ۱۲ بهمن ۱۳۹۷ - ژانویه ۲۰۱۹ -
esmail.waisi@gmail.com

حکومت اسلامی ۴۰ سال بعد از انقلاب ۵۷

باز تکثیر مصاحبه اکتبر با اسماعیل ویسی



اما دور تازه ای از تلاطم بنیادی عظیم اجتماعی در حال غلیان سرنگونی طلبانه است. پیام بسیار روشن و مشخص آن سرنگونی حکومت اسلامی سرمایه داران در ایران است. پایه های اساسی این رژیم هار و

فوق ارتجاعی را به لرزه درآورده است. پیام عملی و ملموس آن را، سردمداران

حکومت اسلامی و کل دارودسته اصلاح

طلبان و مدافعین بقاء آن نیز، گرفته اند.

ملموستر از گذشته میدانند، که اکثریت مردم ایران بدون اما و اگر، خواهان سرنگون شدنشان هستند. به همین خاطر "حفظ و بقاء" اش در اولویت و اساس قرار، گرفته است.

بدین خاطر است تمامی متحجرین که در طول زندگی شان از جیب مردم زندگی

ایمانی و اشرافی داشته اند و اکنون نیز از وجود حکومت اسلامی، همچنان سودهای

سرشار و غیر قابل را به جیب میزنند. به چرند و هذیان گوئی افتاده اند که، انقلاب و خواسته

های آنرا تحریف آگاهانه کنند به جامعه و نسل جوان حقه کنند که، انقلاب برای

آزادی، رفاه و آسایش نبوده است و راه حل تمامی این گرسنگی ای را که

صفحه ۱۵

گذشته را پرکرد، زیرا فردا، دیر است! ۲۰ بهمن ۱۳۹۸

اکتبر. در آستانه ۴۰ سالگی انقلاب مردم در ایران علیه استبداد پهلوی و عدم

وجود آزادی، رفاه اجتماعی و سلطه ی دیکتاتوری، چه عواملی باعث شد که

ارتجاع اسلامی، انقلاب مردم را مصادره کند و مسیر آن انقلاب را به انحراف

بکشاند؟ خواسته های اساسی آن انقلاب چه بود؟ امروز بسیاری از سران رژیم

اسلامی میگویند، انقلاب برای دستیابی به آزادی و رفاه نبود. حق با کیست؟

اسماعیل ویسی- با سپاس از وقتی که در اختیارم گذاشته اید. باید تاکید کنم که، رژیم

اسلامی از همان ابتدای تحمیل شدنش به انقلاب آزادیخواهانه و برابری طلبانه سال ۵۷

با بحرانهای عمیق اقتصادی و سیاسی- اجتماعی دست بگریبان بوده است و

میباشد. تمامی شواهد مستند تاکید می کنند که، در بن بست کامل از هر لحاظ قرار دارد.

سیستم اقتصادی و تمامی زیر بناهایش ویران و از کار افتاده، تداوم چنین موقعیتی برایش

ننکن نیست و هیچ راه گریزی بجز سرنگون شدنش، وجود ندارد! زیرا، خیزش توده ای

اجتماعی - کارگری که از دیماه ۱۳۹۶ بطور ملموس و برجسته ای عملا بر اساس آن

واقعیتهای عینی- اجتماعی علیه موجودیت جمهوری اسلامی، بمیدان آمد و در جریان

است عیلرغم سطحی از پراکندگی و عدم سازمانیافتگی مشخصا طبقه کارگروعدم

رهبری سیاسی- اجتماعی در بعد سراسری،

توضیح: تاکیدات در مصاحبه همچنان مورد تائید هست، زیرا اوضاع و احوال

اقتصادی و سیاسی- اجتماعی و موقعیت حکومت اسلامی کلا، از آن بعد بدتر شده

است و خیزش توده ای- اجتماعی آبانماه ۹۸ نقطه عطفی تاریخی- اجتماعی در تسریع

سیر پروسه سرنگونی حکومت اسلامی بود که پایه های اساسی رژیم اسلامی را لرزاند و

خامنه ای رسمن در ۲۷ آبانماه بدان اعتراف و دستور کشتار معترضین را بی محابا صادر

نمود. اما، متعاقب آن، جنبش در اشکال متفاوت کارگری- توده ای اجتماعی و بویژه

۱۶ آذر سرخ در مراکز دانشگاهی و در جنایت سرنگونی هواپیما، ادامه پیدا کرد. و ... که

چون نقطه عطفی اساسی بر مهر تائید نهادن بر پایان و آغاز دوره ای دیگر، در سیر تعیین

سرنوشت جمهوری اسلامی نام برد که کل نهادهای رهبری حکومت اسلامی بدان واقف

هستند. و ... همچنین بر این اساس تاکید دو چندان همراه چه باید کرد و بویژه جا یگاه

حزب سیاسی کمونیستی برای هدایت و رهبری مبارزات توده های مردم در این

کشمکش واقعی، در متن نوشته، چون راه کاری، بر تلاش عملی و در اولویت قرار دادن

سازماندهی و آماده سازی، درسیر تداوم پیچیده مبارزات سرنگونی طلبانه جاری و

تقابل با عرض اندام هرگونه ارتجاع ملون قومی- مذهبی و ایجاد و برقراری فضای

آزادیخواهی و برابری طلبی که زمینه چینی حاکمیت شورائی مردم را، پایه ریزی کند که لازم است از امروز باید وارد عمل شد. خلاء

حکومت اسلامی ۴۰ سال بعد از انقلاب ۵۷

باز تکثیر مصاحبه اکتبر با اسماعیل ویسی

به اکثریت مردم تحمیل کرده اند در هفته گذشته □ فوق متحجری به اسم آیت اله صدیقی در نماز جمعه تهران تاکید کرده بود مردم در برابر بحران اقتصادی، روزه بگیرند و نمازهای متفاوت بخوانند □ راه حل متحجری حاکم که چرا خواسته های انقلاب ۵۷ را دارند تحریف تاریخی می کنند!

در اینجا ضرورت دارد به پروسه

انقلاب ۵۷ و واقعیت زمینه ها و مطالبات اقتصادی و سیاسی - اجتماعی بطور اجمالی اشاره ای بکنم. انقلاب سال ۵۷ در ایران برعلیه رژیم سلطنتی پهلوی، بدون شک، انقلابی آزادیخواهانه و حق طلبانه بود. انقلابی برای دستیابی به آزادی، رفاه و آسایش از هر لحاظ بود. هدف اساسی توده های مردم شرکت کننده و انقلابیون دستیابی و ایجاد زندگی ای بهتر بود. طبقه کارگر در انقلاب ۵۷ نقش اساسی در ساقط کردن استبداد سلطنتی پهلوی داشت. اما، معنی نکردن مفهوم سرنگونی انقلابی و عدم وجود حزب کمونیستی کارگری و سیاست روشن و مشخص کمونیستی کارگری در هدایت و رهبری مبارزات طبقه کارگر و جنبشهای آزادیخواهانه و حق طلبانه اجتماعی دخیل در جریان خیزش انقلابی و توده ای ۵۷، معضل اساسی بود. جنبه صرفا ضد استبدادی و وجود تعلق خاطر سیاسی - اجتماعی جریانات به اصطلاح چپ به اسلام انقلابی؟! حمایت دولتهای غربی به قصد جلوگیری از بقدرت رسیدن چپ، کاری کرد، ضد انقلاب اسلامی را بر شانه های سنت توده ایستی، و و جبهه

ملی و فرهنگ ملی - مذهبی ضد غربگرایی بقدرت رسانده شود. ضد انقلاب اسلامی در اساس ماموریت و وظیفه اش سرکوب انقلاب آزادیخواهانه و عدالت طلبانه مردم و بشکست کشانیدن آن بود. خیزش توده ای جاری نیز که عمل و پیام روشن و قاطع آن سرنگونی بی اما و اگر جمهوری اسلامی است، لازم است از تجارب انقلاب ۵۷ و صرفا ضد رژیمی گری و ضد استبدادی، تجارب و درس لازم را بگیرد و خود را به این جنبه محدود نکند. طبقه کارگر و طیف کارگران رادیکال سوسیالیست و کمونیست، محافل رهبران عملی کارگری با حضور فعال خود باید افق وسیعتری بر جنبش سرنگونی ناظر کنند. همزمان در مبارزه قاطع برای سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی بطور هدفمند برای مادیت بخشیدن به چشم انداز برابری اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در واقع زندگی ای بهتر که تامین کننده توقعات انسانی زندگی انسان امروزی باشد، بکوشند. طرح خود را پیش پای نهند!

رژیمی که موجودیتش از ابتدا تاکنون و از این بعد هم، وصله ناجوری بر پیکر جامعه ایران بوده و می باشد، در بن بست کامل، اقتصادی - سیاسی - اجتماعی و فرهنگی قرار گرفته است. این رژیم برای ادامه بقاء و حیات ارتجاعی و استثمارگرانه، بر رشد و گسترش روزافزون اخنتاق سیاسی و سرکوبگری و بر عدم برسمیت شناختن هرگونه حق و حقوق ابتدائی آحاد مردم متکی است. دستگیری و زندانی کردن فعالین کارگری، فعالین سیاسی - اجتماعی، دخالت

در زندگی خصوصی مردم بویژه زنان و جوانان، اخراج، بیکار سازی، بسته شدن و تعدیل نیرو در مراکز اصلی صنعتی تولیدی - خدماتی، نا امنی شغلی، نبودن بیمه بیکاری و دیگر بیمه های اجتماعی و درمانی، سیر صعودی فقر و فلاکت و با تاکید رسمی نهادهای حکومتی **” وجود بیشتر از ۷۰ درصد جمعیت زیر فقر مطلق ”** و تعرض گسترده و افسار گسیخته به سطح زندگی و معیشت اکثریت شهروندان، رشد و گسترش پدیده های شوم کودکان کار و خیابانی، کارتون خوابی، فحشا و اعتیاد و رشد آن تا سطوح مدارس راهنمایی، پدیده نوزاد فروشی، رشد و گسترش حاشیه نشینی، ویران شدن زیست محیطی و ... از دیگر مصائب اجتماعی در ابعاد چندین میلیونی، ناامیدی جوانان از آینده خود، مشخصه و حاصل حاکمیت سیاه ۴۰ ساله این رژیم است. چنین وضعیتی شرایط ناهنجاری به وجود آورده است. این شرایط اگرچه مبنای اعتراضات وسیع اجتماعی است، در عین حال موانع زیادی را هم ایجاد میکنند. در چنین شرایطی اگر طبقه کارگر و رهبران و فعالین کارگری و توده ای سازمانیافته در این مبارزات و در جهت رهبری آن تحت رهبری و هدایت حزب سیاسی کمونیستی کارگری، شرکت نکنند، تصویر روشنی از سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی ارائه نکنند، نگرانی از اینکه تحولات با زد و بند از بالا توسط اپوزیسیون راست پرو غربی و تحمیل آلترناتیو بورژوازی کنترل شود، وجود دارد. چون انقلاب ۱۳۵۷ **صفحه ۱۶**

حکومت اسلامی ۴۰ سال بعد از انقلاب ۵۷

باز تکثیر مصاحبه اکتبر با اسماعیل ویسی

، در بر همان پاشنه بچرخد. نکته ای بسیار اساسی و جدی، نباید غافل بود!

اکتبر، ۴۰ سال بعد از انقلاب جامعه ایران کماکان دچار تلاطم تحولات سیاسی-اجتماعی عمیقی است. این تحولات در جامعه کردستان نیز مستقیماً انعکاس دارد. در تداوم و تشدید چنین وضعیتی و در تنگنا قرار گرفتن بیشتر رژیم اسلامی در مناطق مرکزی ایران، پیش آمدن [] خلا قدرت و حاکمیت دوگانه [] یک احتمال است. جنبش بورژوا ناسیونالیستی کرد برای چنین شرایطی برنامه و سناریو سیاه خود را دارد، جنبش کمونیستی و چپ چه وظیفه ای را برای خود تعریف کرده است تا یکبار دیگر تجربه ۵۷ و به انحراف کشاندن خیزش مردم و انقلاب بشکست کشانده نشود؟

اسماعیل ویسی - همانطور که اشاره کرده اید تاکید می کنم که، تمامی آن مصائب اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی که به یمن موجودیت حکومت اسلامی به اکثریت مردم ایران تحمیل شده است. در کردستان ممکن است در بعد وسیع تری نیز خودنمایی می کند. بر اساس همین زمینه اجتماعی و احتمال گسترش اعتراضات به شهرهای کردستان، همگام با خیزش توده ای، رژیم اسلامی در تمامی شهرهای کردستان حکومت نظامی غیر رسمی را با تنیدن نیروهای سرکوبگرش، برقرار کرد. اما به علاوه اصلاح

طلبان کرد و جریانات ناسیونالیست کرد برای [] سودا و معامله گری و دستیابی به اهداف سیاسی- طبقاتی خود [] تلاش کردند، شهرهای کردستان با اعتراض سراسر همگامی نکنند. در تداوم و پروسه سرنگونی نیز تلاش می کنند از رشد و گسترش رادیکالیسم و فضای انقلابی اجتماعی جلوگیری و عمل کنند. این تلاش دست راستی را باید خنثی کرد. از هم اکنون در این راستا و برای گسترش و سازماندهی حرکت اعتراضی در همبستگی با خیزش توده ای اجتماعی و کارگری سراسری که، ضرورت دارد، برنامه ریزی عملی کرد. در نتیجه وظیفه اساسی [] احزاب سیاسی کمونیستی و چپ - جنبش چپ [] می باشد که، مردم و جوانان، فعالین جنبشهای آزادیخواه و برابری طلب کردستان را متشکل و سازماندهی و هدایت سیاسی است که این کمبود را جبران کنند! پیام قاطع خیزش توده ای جاری سرنگونی بی اما و اگر رژیم اسلامی است. حکومت اسلامی هم پیام را گرفته است. لازم است از هم اکنون آگاه و هوشیار بود. برای ایجاد همبستگی اجتماعی و سازماندهی با برنامه، هدفمند تلاش نمود. ارتجاع در هر شکل و رنگی و تحت هر عنوانی را باید، افشاء و برای ایزوله کردنشان اقدام کرد و فضای آزادیخواهی جامعه را علیه آنها بسیج و گسترش داد. باید سریعاً و بدون فوت وقت عمل کرد.

تاکید می کنم که جنبش های چپ و راست در کردستان که در وجود احزاب سیاسی

اجتماعی بروز عملی و تاثیر گذار را دارند، واقعیتی عینی هستند و در این روند سیاسی- اجتماعی. پروسه سرنگونی رژیم اسلامی در تقابل هم قرار دارند و می گیرند و تقابلی سیاسی- طبقاتی اجتماعی، جدی و تعیین کننده است. قطب بندی کنونی این چند جنبش ها با ارائه آلترناتیو طبقاتی- اجتماعی شان، برای تسلط سیاسی- اجتماعی و اداره حاکمیت جامعه کردستان، بعد از حکومت اسلامی. عینی و عملاً در جریان است. زیرا، روندی که در جریان است. پروسه گسترش سرنگونی رژیم اسلامی است. هیچگونه راه بازگشتی ندارد. باید قطب چپ جامعه در این پروسه بکوشد با سازماندهی رادیکالیسم اجتماعی و اهداف روشن، سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی را رقم بزند! اما، مشخص است که رژیم اسلامی برای بقاء خود از هیچ گونه تلاش ممکن دریغ نخواهد کرد و نباید غافل بود که ممکن است جریاناتی در حاکمیت و قطب راست در آپوزسیون برای جلوگیری از سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی، سناریوهای دیگری را به جامعه و جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی، تحمیل کنند. باید آمادگی لازم را داشت.

من هم معتقدم همچنانکه در سوال اشاره شده است که، در تداوم و تشدید چنین وضعیتی و در تنگنا قرار گرفتن بیشتر رژیم اسلامی در مناطق مرکزی ایران کردستان آن اهمیت و اولویت اساسی را ندارد و کلا بندهای حاکمیتش سست می شود رژیم بنوعی می شود گفت که، پیش

حکومت اسلامی ۴۰ سال بعد از انقلاب ۵۷

باز تکثیر مصاحبه اکتبر با اسماعیل ویسی

آمدن "خلاء قدرت و حاکمیت دوگانه" یک احتمال بسیار ملموس است. از هم اکنون "جنبش بورژوا ناسیونالیستی کرد-قطب راست" برای چنین شرایطی برنامه و سناریو خاص خود را دارد، قطعاً جنبش کمونیستی و چپ-قطب چپ وظیفه ای بسیار خطیر دارد. لازم است آلتر ناتو سیاسی-اجتماعی خود را که بطور مشخص برنامه حاکمیت مردم در کردستان که تضمین کننده اساس اعمال اراده مستقیم توده مردم و کارگران از طریق شوراهای مردمی است را ارائه بدهد و در دسترس جامعه قرار بدهد. تا از هم اکنون زمینه های ایجاد تشکیل شوراهای کارگری و مردمی را برای کنترل محل های کاری و محلات، فراهم شوند و با آمادگی کامل بر سر بزنگاه سیاسی تحت هدایت سیاسی اجتماعی قطب کمونیستی و چپ، بموقع و بدون فوت وقت اعمال اراده مردم را از طریق مکانیزم شوراها برای اداره جامعه، مادیت پیدا کند. دستاوردهای مردم زحمتکش به یغما نرود. ارتجاع بشیوه دیگر اینبار در قبا "کردایتی خود را تحمیل نکند!

زیرا جنبش ناسیونالیستی در کردستان ایران به مثابه جنبش سیاسی بورژوازی کرد با بخش علنی احزاب سیاسی مربوطه آن مستقر در کردستان عراق، فراکسیون نمایندگان کرد زبان در مجلس شورای اسلامی، جبهه متحد کرد، انستیتوی کرد، انجمن کردهای مقیم مرکز و غیره در کنار سنت و فرهنگ و عادات ناسیونالیستی موجود در جامعه "اجزاء سیاسی متشکل جنبش ناسیونالیستی کرد"

میباشند. ناسیونالیسم جنبشی اجتماعی و فعال در جهت دستیابی به منافع طبقاتی خود می باشد و تلاش میکنند نه تنها در قدرت سیاسی به بازی گرفته شوند، بلکه بعنوان بخشی از این سیستم و سهیم در استثمار طبقه کارگر در کنار بورژوازی در ایران از سوی جناح ها و - جنبش راست پرو غرب. اپوزیسیون بورژوائی و از طرف قدرتهای سرمایه جهانی در تقابل با رژیم اسلامی و بازی با کارت "مسئله کرد" برسمیت شناخته شوند. روند جاری مبارزات رادیکال توده های مردم در کردستان را مهار کنند. تلاش عملی و مواضع سیاسی جریانات و "احزاب سیاسی جنبش ناسیونالیستی کرد-قطب راست" در این برهه از زمانه در داخل و خارج ایران تاییدی بر این واقعیت است.

در تقابل نیز "جنبش کمونیستی و چپ و برابری طلبی و مدرنیسم اجتماعی در جامعه کردستان، جنبشی زنده، فعال و با پایه اجتماعی، محسوس و ملموس و مادی" می باشد. که در معادلات قدرت سیاسی در آن جامعه در حال حاضر غیر قابل حذف هست. اما، نباید غافل بود. زیرا این وضعیت اجتناب ناپذیر نیست و لازم است پایه های اجتماعی آنرا با توهم زدائی سیاسی-اجتماعی، هر چه بیشتر آگاهتر، محکمتر، سازمانیافته تر و وسیعتر کرد. تا بتوان در تقابل با جنبش بورژوا ناسیونالیستی کرد که نهایتاً بر سر اداره و حاکمیت سیاسی جامعه کردستان، از روانگاه منافع طبقاتی قرار خواهد گرفت. نه

تنها غیر قابل حذف باشد، بلکه نتواند "آزادی را از جامعه سلب کنند، سنت و فرهنگ ارتجاعی و فقر و فلاکت اقتصادی و سرکوبگری را به جامعه" تحمیل کنند. در این راستا لازم است هوشیارانه، نکات زیر را در دستور کار قرار داد و برایش تلاش کرد:

1- در محلات خود را سازماندهی کرده و باید متشکل شد. کنترل محلات را در دست گرفت و فضای آزادیخواهی را دامن زد. و از ابراز وجود و از هرگونه مزاحمت ارتجاع و مزدورانش، جلوگیری کرد. 2- شبکه وسیعی از سازماندهی گروههای پیشرو آزادیخواه در سطح شهرهای کردستان، را تشکیل داده و به تبادل اطلاعات و همفکری با همدیگر پرداخت. 3- واحد های گارد آزادی را تشکیل داده و چون شبکه ای بهم بافته شده، عمل کرد. واحدهای گارد آزادی باید دست بکار شوند و در برابر هر گونه جریان ارتجاعی بویژه مزدوران کهنه و تازه رژیم، واکنش نشان دهند و با آگاهگری و بسیج فضای آزادیخواهی علیه تحركات ارتجاعی شان، محیط را بر آنها تنگ کرده و از محله و شهر طرد کنند. واحدهای گارد آزادی یعنی صف محکم و مسلح و سازمانیافته ازادخواهان در برابر ارتجاع قومی - مذهبی و برای ایجاد دورنمای آینده ی روشن و در دفاع از مدنیت جامعه. 4- در هر مرکز و رشته کاری، در محلات و شهرها باید شوراها را ایجاد کرد و از این طریق اعمال اراده مستقیم توده کارگر و مردم را در مبارزات جاری و در فردای تحولات تضمین کرد.



زنده باد گارد آزادی
به گارد آزادی پیوندید

آدرس تماس با رهبری گارد آزادی

Gardd.azadi@gmail.com

0046739498231

Partow TV

تلویزیون پرتو

رسانه تصویری مزب حکمتیست

دبیر کمیته کردستان : صالح سرداری

Email:saleh.sardari@gmail.com

روابط عمومی کمیته کردستان: ابوبکر شریف زاده

Abo_sh2008@hotmail.com

اکتبر نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست است که دو هفته یک بار منتشر می شود!

سردبیر نشریه : اسماعیل ویسی

esmail.waisi@gmail.com

زنده باد تشکیل شوراها!